

## موقعیت تجاری توزگ در پس‌کرانه خلیج فارس

حسین کیان‌راد

در متن پهلوی شهرستانهای ایران‌شهر که در آن به شصت شهرستان عصر ساسانی اشاره شده، شهرستان شمارهٔ چهار و پنج «توزگ» (tuzag) نام دارد.<sup>۱</sup> در ترجمه‌های متعددی که از این متن صورت گرفته، نام این شهر نیز به صورتهای متفاوتی آمده، هرچند که همهٔ آنها یک ریشه دارند. صادق هدایت در نخستین ترجمهٔ فارسی که از این متن به دست داده، این نام را به شکل «توزک» آورده است.<sup>۲</sup> در گزارش سعید عریان از ترجمهٔ کتاب متون پهلوی، نام این شهر «تَوگ» (tawwag) ذکر شده<sup>۳</sup> و تورج دریایی در آخرین ترجمه و تصحیحی که از متن فارسی میانهٔ شهرستانهای ایران‌شهر به دست داده، املائی فارسی این نام را به صورت «توج» آورده است،<sup>۴</sup> اما در قسمت آوانویسی متن، واژهٔ tuzag و معادل انگلیسی آن را tuz ذکر کرده است.<sup>۵</sup>

شهر توزگ (تَوَج دورهٔ اسلامی) هرچند جزو مراکز اصلی کوره‌های پنجگانهٔ ایالت پارس در دورهٔ ساسانی به شمار نمی‌رود، آمدن نام آن در متن پهلوی شهرستانهای ایران‌شهر در کنار شهرهای اصلی پارس نشان از اهمیت این شهر در دورهٔ ساسانی دارد زیرا بجز چهار شهر اصلی پارس

1. Touraj Daryaee, *Šahrestānīhā ē Ērān-šahr*, California: Mazda Publishers, 2002, p. 24.

۲. صادق هدایت، «شهرستانهای ایران‌شهر»، مجلهٔ مهر، س ۷، ش ۳۰، ۱۳۲۱، ص ۱۶۹-۷۵.

۳. متون پهلوی، گردآورنده جاماسب جی آسانا، ترجمهٔ سعید عریان، تهران: کتابخانهٔ ملی، ۱۳۷۱، ص ۶۸.

4. Daryaee, *op. cit.*, p. 24.

5. *Ibid.*, pp. 15, 20.

(استخر، دارابگرد، اردشیرخوره و بیساپورا)، توزگ تنها شهری است که گرچه مرکز کوره نیست، نامش در کنار مراکز کوره‌های پارس آمده است.

همچنین، آن‌گونه که در ذکر متصرفات اعراب مسلمان در سرزمین پارس آمده، پس از پیاده شدن اعراب در ساحل خلیج فارس، توج از نخستین مراکزی است که در نزدیکی آن درگیری میان دو سپاه ساسانی و مسلمان رخ می‌دهد<sup>۶</sup> و این امر خود نشان از اهمیت توج و موقعیت برجسته آن در پس‌کرانه خلیج فارس دارد. متن شهرستانهای ایرانشهر، بنای شهر را به همای چهارآزادان نسبت می‌دهد.<sup>۷</sup> بندهشن، همای (فارسی میانه: هماگ) را دختر بهمن پسر اسپندیار [= اسفندیار] می‌داند.<sup>۸</sup>

نکته‌ای که از منسوب کردن بنای شهر توزگ به همای چهارآزادان برداشت می‌شود، قدمت پیش از عصر ساسانی این شهر است. این امر در مورد برخی دیگر از شهرهای کهن پارس نیز مشاهده می‌شود که بنای آنها را به شخصیت‌های اساطیری و افسانه‌ای نسبت می‌دهند.

اگر بتوان «توکوی» ذکر شده در منابع یونانی را که تا اواخر عصر هخامنشی رونق داشته<sup>۹</sup> با توزگ عصر ساسانی و توج دوره اسلامی تطبیق داد، پس باید قدمت شهر توزگ را به دوره هخامنشیان رساند. نثارخوس، دریاسالار اسکندر، یکی از نخستین کسانی است که در سفرنامه خود (سفر دریایی از سند به دجله) به «توکوی» (taoce) اشاره دارد. بر طبق گفته‌های آریان نیکومدی، که سفرنامه نثارخوس به واسطه کتاب او<sup>۱۰</sup> برای ما باقی مانده، «ناوگان نثارخوس پس از یک دریانوردی دشوار و پراز موانع، در توکوی مشرف بر رودخانه گرانیس (Granis) لنگر می‌اندازد.»<sup>۱۱</sup> نثارخوس همچنین از وجود یک کاخ پادشاهی پارسی در فاصله ۲۰۰ استادیایی آنجا خبر می‌دهد.

برخی جغرافی‌دانان و مورخان عهد باستان همچون استرابون (۵۰ ق م - ۲۱ م) و بطلمیوس (سده دوم میلادی) نیز از کاخی پارسی در ساحل خلیج فارس به نام توکوی یا تاوکه (Taoke) نام می‌برند.<sup>۱۲</sup> در پی کشفیات باستان‌شناختی اوایل دهه پنجاه<sup>۱۳</sup> و همچنین تازه‌ترین کشفیات<sup>۱۴</sup>

6. M. Hinds, "The First Arab Conquest in Fars", *Iran* 22 (1984): 1-40.

7. Daryaei, *op. cit.*, p. 24.

۸. بندهشن، ترجمه مهرداد بهار، ج ۲، تهران: توس، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰.

۹. برای آگاهی بیشتر، رک. حسین کیان‌راد، «کاخ زمستانی هخامنشیان در ساحل خلیج فارس»، پژوهشنامه خلیج فارس، ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۷-۴۶.

10. Arrian, *Anabasis of Alexander*, ed. and trans. by P. A. Brunt, Cambridge, Mass.: Loeb Classical Library, 1976.

11. *Ibid.*, Vol. VIII (*Indica*), 39.3, p. 421.

12. Strabo, *Geography*, XV, 3.3; Ptolemaios, *Geography*, VI, 4.7, VIII, 21, 15.

۱۳. علی‌اکبر سرفراز، «کشف کاخی از عهد کورش کبیر در ساحل خلیج فارس»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ش

۷ و ۸، ۱۳۵۰، ص ۳۲-۱۹.

۱۴. حسین کیان‌راد، «کشفیات جدید باستان‌شناسی در کاخ هخامنشی ساحل خلیج فارس»، پژوهشنامه خلیج فارس،

ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴-۱۹۱.

(در بهار ۱۳۸۴) در جلگه برازجان (دشتستان) و سر از خاک برآوردن بقایای سه کاخ هخامنشی به فاصله نه چندان زیاد از هم، این فرضیه قوت گرفت که تئوکی ذکر شده در منابع یونانی می‌بایست در جلگه برازجان واقع شده باشد. کاخهای پارسی جلگه برازجان خبر از اهمیت فوق‌العاده اقتصادی و سیاسی خلیج فارس برای هخامنشیان می‌دهد. در این جلگه دو رودخانه دائمی به نامهای دالکی و شاپور جریان دارند که در منطقه دورودگاه به هم می‌پیوندند و رود حله را تشکیل می‌دهند که سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد. در اطراف این دو رودخانه، زمینهای مناسب برای کشاورزی و ایجاد سکونتگاه وجود دارد. یکی از کاخهای سه‌گانه هخامنشی (کاخ بردک سیاه) نیز درست در محل تلاقی دو رودخانه (دورودگاه) و در میان نخلستانهای بین دو رود قرار گرفته است.<sup>۱۵</sup> احتمال دارد رود گرانیس، که نثارخوس می‌گوید با کشتی از طریق آن بالا آمده تا به تئوکی رسیده، همین رود حله امروزی باشد.

در گل‌نوشته‌های تخت جمشید نیز با مکانی با نام عیلامی «تموکن» (Tamukkan) مواجه می‌شویم<sup>۱۶</sup> که می‌توان آن را با ناحیه تئوکی (جلگه برازجان) یکسان فرض کرد.<sup>۱۷</sup> اما حال باید دید شهر توزگ در کجای این جلگه باستانی قرار داشته است؟ در منابع تاریخی و جغرافیایی عصر اسلامی توصیفات زیادی از این شهر که اکنون اثری از محل آن باقی نیست وجود دارد. با بررسی این منابع شاید بتوان حدود شهر توزگ (توج) را مشخص کرد. ابن خردادبه «توج» (توج) (tawwa) را از شهرهای کوره اردشیرخوره می‌داند.<sup>۱۸</sup> استخری نیز در مسالک و ممالک، توج را جزو نواحی اردشیرخوره می‌آورد و آن را در میان سایر شهرهای پارس از لحاظ بزرگی پس از شیراز، پسا، سیراف و ارگان، در رتبه پنجم قرار می‌دهد.<sup>۱۹</sup> همچنین در فارسنامه ناصری جزو کوره شاپور ذکر شده است.<sup>۲۰</sup> یاقوت حموی این نام را به صورت «توز» با فتح و تشدید حرف دوم و فتح زاء آورده و توج را نام دیگر این شهر می‌داند که در اقلیم چهارم با طول ۷۷ درجه و دوسوم درجه و پهنای ۳۴ درجه و سه‌چهارم درجه قرار دارد.<sup>۲۱</sup> شهاب‌الدین التویری توج را به نقل از ابی الفداء، صاحب کتاب المختصر فی اخبار البش،

۱۵. همان‌جا.

16. R. T. Hallock, *Persepolis Fortification Tablets*, Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago Press, 1968, p. 487.

۱۷. کیان‌راد، «کاخ زمستانی هخامنشیان در ساحل خلیج فارس»، ص ۴۲-۴۵.

۱۸. ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۵.

۱۹. استخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۳ و ۱۰۰.

۲۰. حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ج ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

ص ۱۷۴.

۲۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، بخش دوم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور،

۱۳۸۰، ص ۷۷۵.



با ضم تاء و سکون واو می داند اما در ادامه اظهار می دارد که گفته یاقوت (یعنی با فتح و تشدید) می بایست درست تر باشد، چنانکه سیوطی نیز در لباب الالباب این گونه آورده است.<sup>۲۲</sup>

استخری در ذکر راه شیراز تا جتّابه که چهل و چهار فرسنگ است، شهر توج را پس از منازل خان شیر، دشت ارژن، تیره، کازرون، دزیز و سرعقبه، منزل ماقبل جتّابه می آورد که فاصله آن تا جتّابه دوازده فرسنگ است.<sup>۲۳</sup> وی همچنین مسافت شیراز تا توج را سی و دو فرسنگ ذکر می کند.<sup>۲۴</sup> در فارسنامه ابن بلخی، در ذکر راه شیراز تا ساحل خلیج فارس، توج در منزل پنجم و در فاصله هفت فرسنگ بعد از خشت و چهار فرسنگ پیش از دیه مالک واقع شده است. همچنین فاصله آن تا جتّابه چهارده فرسنگ و تا کازرون، نوزده فرسنگ ذکر شده است.<sup>۲۵</sup>

گویا شهر در چهار فرسنگی معبری که از دریز آغاز می گردیده واقع بوده است. یاقوت آن را شهری نزدیک کازرون می داند که در منطقه پستی واقع شده و دارای نخلستان است.<sup>۲۶</sup> ابن حوقل نیز توج را شهری بسیار گرم می داند که «در مگالکی بنا شده و بناهایش از گل و دارای نخلستانها و باغهاست».<sup>۲۷</sup> نویسنده اشکال العالم نیز توج را شهری گرمسیر با محصول خرما بسیار توصیف می کند.<sup>۲۸</sup>

استخری در ذکر رودهای فارس به رود رتین اشاره دارد که پس از پیوستن به رود شاپور، از کنار توج می گذرد و به دریا می ریزد.<sup>۲۹</sup> بیشتر منابع جغرافیایی به واقع شدن شهر توج در کنار رود شاپور اشاره دارند. در این میان حدود العالم، توز را شهری «اندر میان دو رود نهاده» با مردمی بسیار و توانگر توصیف می کند.<sup>۳۰</sup>

لسترنج نیز، در پی تشخیص تقریبی مکان شهر توج (توز)، احتمال می دهد که شهر با اندک فاصله ای از دهانه رود شاپور و بالای ملتقای رود جره به رودخانه شاپور قرار داشته است.<sup>۳۱</sup> رود جره همان است که امروزه به رود دالکی معروف گردیده. در فارسنامه ابن بلخی، رود جره یا جرشیق

۲۲. شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب التوری، نهاية الأرب فی فنون الادب، قسمت اول، قاهره، ۱۹۲۳، ص ۱۳۱.

۲۳. استخری، همان، ص ۱۱۴.

۲۴. همان، ص ۱۱۷.

۲۵. فارسنامه ابن بلخی، تصحیح محمدتقی بهروزی، شیراز، ۱۳۴۳، ص ۲۳۱.

۲۶. یاقوت حموی، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۷۷۲.

۲۷. ابن حوقل، ایران در صورت الارض (سفرنامه ابن حوقل)، ترجمه و توضیح جعفر شعار، ج ۲، تهران: امیرکبیر،

۱۳۶۶، ص ۵۲.

۲۸. ابوالقاسم بن احمد جهانیه، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری،

مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۷؛ همچنین نک. حسینی فسایی، همان، ص ۱۲۷۰.

۲۹. استخری، همان، ص ۱۰۷.

۳۰. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲.

۳۱. گیلسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی،

۱۳۶۶، ص ۲۸۰.

چنین توصیف شده است: «جره و نواحی آن را آب دهد و بعضی از روستاهای غنجدان، پس با نهر شاپور آمیخته شود و در دریا افتد.»<sup>۳۲</sup>

رودخانه شاپور را نیز که از کنار شهر می‌گذشت غالباً رودخانه توج می‌نامیدند.<sup>۳۳</sup> ظاهراً رود رتین که در منابع لاتین به صورت «راتین» (Ratinus) آمده با رود شاپور یکی بوده است.<sup>۳۴</sup> این رودخانه راه ارتباطی شهر با دریای پارس محسوب می‌شده است.

چنانکه ذکر شد، با توجه به منطقه جلگه ماندی که بین دو رود دالکی و شاپور تا قبل از به هم پیوستن‌شان به وجود آمده، قرار گرفتن شهر توج در این ناحیه محتمل‌تر به نظر می‌رسد. از طرفی، اشاره منابع جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی به پارچه‌های کتانی توج که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، و وجود جلگه‌ای مستعد برای زراعت کتان یکی دیگر از دلایلی است که باعث شکل‌گیری چنین فرضیه‌ای می‌شود.

این امکان وجود دارد که مکان شهر از عصر هخامنشی تا ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی در راستای رودخانه‌ها اندکی تغییر یافته باشد.

توماشک، شهرگمشده توج را در ناحیه زیره و شول جست‌وجو می‌کند.<sup>۳۵</sup> اقتداری نیز با توجه به آگاهی‌های جغرافی دانان مسلمان، در میان نواحی مختلف دشتستان، تنها زمین پست و جلگه‌ای را که مستعد زراعت کتان باشد جلگه‌ای می‌داند که آبادیهای زیره، سعدآباد و اردشیرآباد در آن واقع هستند و امتداد آن به آبادی ده کهنه، مرکز بلوک شبانکاره، می‌رسد.<sup>۳۶</sup>

آبادی زیره در کنار رودخانه شاپور واقع است و در کنار آبادی، ملتقای دو رود که اکنون مخروبه و پوشیده و مسدود شده به خوبی آشکار است. اراضی پست واقع در دره، اتلال گسترده و غیرطبیعی، آثاری همچون سکه و خرده سفال و سنگهای تراشیده در کنار مقسم آب، جداول و آب‌انبارها و مخازن تقسیم آب که در نواحی زیره و سعدآباد به چشم می‌خورد، اقتداری را بر آن داشته تا مکان شهر توج را در جلگه مذکور قرار دهد و دره زیره کنونی را حومه شهرگمشده توج بداند.<sup>۳۷</sup>

تاکنون هیچ‌گونه حفاری دقیق و علمی در جلگه مزبور صورت نگرفته و فرضیات ارائه شده نیز

۳۲. فارسنامه ابن بلخی، ص ۳۶۲.

۳۳. لسترنج، همان، ص ۲۸۰.

34. M. Kiessling, "Granis", *Realencyklopädie der klassischen Allertumswissenschaft*, Vol. VII, p. 1815.

35. W. Tomaschek, *Die kustenfahrt Nearchs*, Vien, 1890, p. 63.

۳۶. احمد اقتداری، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، ج ۲، تهران: انجمن آثار و

مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۹۷.

۳۷. همان، ص ۹۸-۹۷.



موقعیت جلگهٔ سمنآباد در میان درود شاپور و دالکی

بیشتر براساس اتلال فراوان و آثار باستانی همچون ویرانه‌های عمارات و سنگها و سفالهایی است که بر روی زمین وجود دارد. شاید تا وقتی کاوشهای گسترده‌ای صورت نگرفته، تطبیق دادن توج با حدود زیره امروزی و اطراف آن رایج‌ترین فرضیه باشد.

نام «زیراه»، برخلاف نظر رایج و سطحی «زیر راه» دانستن معنی آن، به نظر می‌رسد که با واژه «زَریه» (zrayah) اوستایی، «ذَریه» (drayah) در فارسی باستان، «زَره»<sup>۳۸</sup> (zarēh) در پهلوی و «ذَریا» (drayā) در فارسی میانهٔ زرتشتی، که همگی از یک ریشه و به معنی «دریا» هستند، و همچنین با «ذَریه‌یا» (drayahyā) یا «زریاه» به معنی «کنار دریا» در ارتباط باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی، سرزمین پارس دو ناحیهٔ جغرافیایی را شامل می‌شد که با اصطلاحاتی چون زیراهستان (= مناطق ساحلی) و ایراهستان (= نواحی پسرکرانه‌ای) شناخته می‌شدند. جزء اصلی «هیر» (hēr) که از ریشهٔ har- در ایرانی باستان به معنی «بالیدن، بلند بودن و روان بودن

۳۸. برای مثال، رک. درخت آسوریک، ترجمهٔ ماهیار نوایی، تهران: فروهر، ۱۳۶۳، ص ۷۳، بند ۸۹.



گرفته شده، مخصوصاً در اسامی نقاطی وارد بود که مشرف بر آب، خاصه آب روان، باشند. اسامی حیره، هرات و غیره از این قبیل اند.<sup>۳۹</sup>

هرچند زیره یا توج بر لب دریا واقع نشده، شاید قرار گرفتن آن در کنار رود شاپور که به خلیج فارس می‌ریزد، در این نامگذاری دخالت داشته است. چنانکه نثارخوس نیز با کشتی تا شهر توکی هخامنشی پیش می‌آید و در آنجا لنگر می‌اندازد. بدون تردید رودخانه شاپور در گذشته بستری عریض‌تر از امروز داشته و چنانکه گفته شد، راه ارتباطی توز (توج) با دریای پارس محسوب می‌شده است. به هر حال چنین می‌نماید که توزگ عصر ساسانی و توج دوره اسلامی شهری پر رونق بوده که آبادیهای چندی را نیز شامل می‌شده است. با توجه به فاصله کمتر از ده کیلومتری کاخ پارسى بردک سیاه با ویرانه‌هایی که در جلگه زیره و سعدآباد وجود دارد، می‌توان چنین پنداشت که مرکزیت ناحیه توکیه‌ای یا «توکی‌نی» (Taoxnun) در عصر هخامنشی با گذشت زمان تغییر اندکی یافته و در دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی کمی به سمت شمال نقل مکان کرده است. تموکن، توکی یا توزگ در دوره باستان و «توز» (Tawwaz) یا توج در دوره اسلامی تنها نام یک بندر - شهر در کنار رود شاپور و در پس کرانه خلیج فارس نبوده است، بلکه نام منطقه‌ای به حساب می‌آمده که در طول تاریخ، هر شهر یا نقطه‌ای از آن که مرکزیت می‌یافته، این نام بنو اطلاق می‌شده است. قرار گرفتن بر سر راه ارتباطی که به خلیج فارس منتهی می‌شد بر اهمیت اقتصادی و سیاسی توزگ در دوره‌های مختلف تاریخی می‌افزود. راههایی که از کازرون و بیشاپور به سمت ساحل خلیج فارس و بندر کنافه (جتابه، گناوه) می‌رفتند، یک منزل پیش از ساحل دریا از توزگ می‌گذشتند.<sup>۴۰</sup>

افزون بر راه باختری به سمت خلیج فارس، راه دیگری نیز وجود داشت که از اراضی ماصرم می‌گذشت و به جره و از آنجا، پس از پشت سر گذاشتن غندجان (گندکان)، به توج می‌رفت.<sup>۴۱</sup> راه بندر مهربان به شاپور نیز که طی کردن آن هفت روز به طول می‌انجامید، پس از به هم پیوستن بندر غربی چون سینیز و کنافه (جتابه)، به طرف توج می‌پیچید و پس از آن در غرب راه توج - شیراز را سیر می‌کرد تا به شاپور برسد.<sup>۴۲</sup> به نظر می‌رسد اعراب مسلمان نیز پس از ورود به خاک ایران از طریق خلیج فارس

۳۹. امان‌الله قرشی، ایران نامک، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳۰۱؛ یاقوت حموی به نقل از حمزه می‌گوید: «لبه‌های کوره اردشیرخوره در سرزمین فارس را ایراهستان نامند، زیرا که نزدیک دریاست و مردم آنجا را ایراهیه (= ایراهیان) خوانند.» عربها ایراه را معرب کرده و یک قاف به پایانش افزوده و واژه «عراق» را درست کرده‌اند (یاقوت حموی، ۱۳۸۰، ج ۱، بخش نخست، ص ۳۷۱).

۴۰. لسترنج، همان، ص ۲۸۸-۲۸۹.

۴۱. همان، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۴۲. پاول شوارتز، جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵.

و تصرف شهر توج، با دنبال کردن رود شاپور و از طریق همین راه به شهر بیشاپور رسید؛ باشند. ظاهراً جاده‌ای که توج را به بیشاپور وصل می‌کرد برای ایجاد مراوده بین جنوب ایران و مغرب آن اهمیت خاصی داشته است.<sup>۴۳</sup> تقریباً در بیشتر منابع، پارچه‌بافی و تولید جامه‌های کتانی برجسته‌ترین صنعت شهر تجاری توج ذکر شده است.<sup>۴۴</sup> اشاره‌ای که در متن فارسی میانه خسرو و ریذگ به این پارچه شده، قدمت پیش از اسلامی آن را آشکار می‌کند. در این داستان، وقتی که خسرو از خوش‌آرزو دربارهٔ بهترین پوشاکها می‌پرسد، خوش‌آرزو در جواب بهترین را «در بهار شاه‌جانی و دبیتی و در تابستان کتان توزی» ذکر می‌کند.<sup>۴۵</sup>

با توجه به گزارشهای مورخان اسلامی می‌توان به رونق این تولیدات در دورهٔ اسلامی نیز پی برد. استخری ضمن اشاره به بافت و تهیهٔ پارچه‌های سوسنجد (سوزن‌دوزی)، از وجود کارگاه سلطنتی توج برای تهیه و تولید جامه‌های کتانی در گذشته خبر می‌دهد.<sup>۴۶</sup> ابن حوقل جامه‌های توجی را قابل مقایسه با هیچ‌یک از جامه‌های دنیا نمی‌داند.<sup>۴۷</sup> جامهٔ توجی یا جامهٔ توزی، جامهٔ تابستانی نازکی بود که از کتان منسوب به شهر توز تهیه می‌شد. گویا پارچه‌ها و جامه‌های توزی در بیرون از محدودهٔ پارس نیز خواهان زیاد داشته است. در تاریخ بیهقی، آنجا که از لباس مردم آمل سخن به میان می‌آید، جامهٔ توزی جزو لباس مردم آن دیار محسوب می‌شود.<sup>۴۸</sup>

یاقوت حموی، ضمن توصیف پارچه‌های توزی، به تمایل مردم خراسان به این پارچه اشاره دارد: «... و آن پارچه‌ای رقیق، نازک، شل‌بافت مانند تور و خوش‌رنگ دارای حاشیهٔ زرین است ر آن را قواره قواره می‌فروشدند و مردم خراسان بدان مایل‌اند و مقداری زیاد از آن را وارد می‌کنند...»<sup>۴۹</sup> حسینی فسایی نیز در کتاب خویش به جامهٔ لطیف و خوش‌رنگ توزی اشاره دارد و در این مورد بیت شعری از انوری را نیز نقل می‌کند:<sup>۵۰</sup>

قائم و سنجاب در سرما، سه چار توزی و کتان به گرما هفت و هشت

پارچه‌های کتانی توز به رنگهای مختلف تهیه و گلابتون‌دوزی می‌گردید.<sup>۵۱</sup> شاید رواج و معروفیت

۴۳. همان‌جا.

۴۴. برای نمونه، رک. استخری، همان، ص ۱۳۵-۱۳۳؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، بخش دوم،

ترجمهٔ علینقی مزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ص ۶۵۹.

۴۵. ثعالی، تاریخ غرر السیر، ج ۱، ترجمهٔ محمد فضائلی، تهران: نقره، ۱۳۶۸، ص ۷۱۰.

۴۶. استخری، همان، ص ۱۲۴.

۴۷. ابن حوقل، همان، ص ۶۶-۶۵.

۴۸. ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۲، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، ج ۴، تهران: مهتاب، ۱۳۷۴، ص ۶۷۹.

۴۹. یاقوت حموی، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۷۷۳-۷۷۲.

۵۰. حسینی فسایی، همان، ص ۱۲۷۵.

۵۱. لسترنه، همان، ص ۲۸۰.



پارچه‌ها و جامه‌های نازک توزی در شهرهای دیگر ایران باعث شد تا کم‌کم اصطلاح پارچه یا جامهٔ توزی به «توزی» تبدیل گردد و از آن پس، هر پارچهٔ نازک مشبکی «توزی» نامیده شود. وجود چنین صنایع و تولیداتی که از پیش از اسلام در توج داشت و فراتر از مرزهای پارس نیز خواهان یافته بود از طرفی، و قرار گرفتن توج بر سر راه ارتباطی به خلیج فارس و در کنار رودخانهٔ شاپور از سوی دیگر، آنجا را به مرکزی تجاری در پس کرانهٔ خلیج فارس تبدیل کرده بود. همان‌طور که گفته شد، اهمیت شهر در اواخر دورهٔ ساسانی و مقارن با ورود اعراب، با توجه به مسیر حملهٔ اعراب از سمت خلیج فارس نیز مشخص می‌شود. در بیشتر روایاتی که از تصرف پارس به دست مسلمین برجای مانده، توج (طوج) یا، به طور دقیق‌تر، دشت ریشه‌ر، نخستین نقطه‌ای از پارس است که در آنجا میان سپاه اسلام و ارتش ساسانی جنگی رخ می‌دهد و در واقع، توج (توزگ) نخستین شهر پارس است که به تصرف اعراب درمی‌آید.<sup>۵۲</sup>

بلاذری برای تصرف پارس سه روایت مطرح می‌کند که در هر سهٔ آنها، طوج نخستین مکانی است که تصرف می‌شود.<sup>۵۳</sup> گذشته از آن، بیشتر منابع به نبرد خونین سپاه ایرانیان به رهبری «شهرک»، که گاه مرزبان و گاه والی پارس نامیده شده، با سپاه اعراب مسلمان در نزدیکی توج اشاره دارند.<sup>۵۴</sup> بنا به روایات باقی‌مانده، گویا اعراب توج را پس از تصرف به پایگاهی برای یورشهای بعدی خویش تبدیل کردند<sup>۵۵</sup> و حتی قبایل متعددی از جمله عبدالقیس را در آنجا سکنی دادند. در واقع، بهتر است گفته شود پادگانی نظامی در آنجا مستقر کردند و گروههای مهاجم را برای تصرف مناطقی چون ازجان و بیشاپور به آن شهر اعزام داشتند.<sup>۵۶</sup>

یاقوت حموی به غنایم بسیاری که پس از گشوده شدن شهر با جنگی سخت به دست اعراب می‌افتد اشاره می‌کند که نشان از رونق تجاری شهر دارد. وی در ادامه از گزیت (جزیه) پرداختن اهالی شهر برای باقی ماندن در خانه‌هایشان خبر می‌دهد.<sup>۵۷</sup> یاقوت به نقل از ابومخنف، سردار فاتح توج را عثمان پسر ابوالعاص معرفی می‌کند که «از دریا بگذشت و به فارس رسید و توج را بگشود و چند مسجد ساخت و آن را پایگاه مسلمانان کرد».<sup>۵۸</sup>

طبری نیز به کشتار پارسیان و غنایمی که مسلمانان در اردوگاه آنها به دست آوردند اشاره

۵۲. در این زمینه، نک. Hinds, *op. cit.*

۵۳. البلاذری، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمد فرزانه، ج ۲، تهران: سروش، ۱۳۶۴، ص

۱۴۲.

۵۴. همان، ص ۱۴۵-۱۴۲؛ یاقوت حموی، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۷۷۳.

۵۵. یاقوت حموی، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۷۷۳؛ *فارسنامهٔ ابن بلخی*، ص ۲۷۲-۲۷۱.

56. Hinds, *op. cit.*

۵۷. یاقوت حموی، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۷۷۳-۷۷۲.

۵۸. همان‌جا.

می‌کند. ۵۹ گویا شهر در هنگام حملهٔ مسلمانان در سال ۲۳ هـ. ق / ۶۴۳ م دیواری داشته که محاصرهٔ مهاجمان درآمده است. ۶۰

همان‌گونه که از نوشته‌های مورخان و جغرافی‌نویسان دورهٔ اسلامی برمی‌آید، شهر توج پس استقرار مسلمانان تا سده‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد. مقدسی از مسجد جامع شهر و بازار آن نزدیک هم واقع شده بودند و تنها کوچه‌هایی چند میان آنها قرار داشته سخن می‌گوید. ۶۱ پرداختن به جزئیات ادامهٔ حیات شهرنشینی در توج عصر اسلامی در این سطور نمی‌گنجد می‌توان اواخر دورهٔ ساسانی و عصر حکومت آل بویه را دوران رونق توج در جایگاه مرکزی تجارت تلقی کرد که ارتباط مستقیم با رونق بنادر تجاری خلیج فارس همچون جتآبه و سینیز و همچنین تجارت دریایی در آبراهه‌های جنوبی داشت. به نظر می‌رسد فعالیت زیاد ضرابخانه‌های پارس در اواخر دورهٔ ساسانی با رونق تجارت خلیج فارس و ارتباط دریایی با سایر سرزمینها مربوط بود است. با بررسی تجارت دریایی در اواخر عصر ساسانی، نقش بنادر و شهرهای پس‌کرانه‌ای در این موضوع، و میزان ثابت ضرب سکه در پارس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که پارس در اواخر دور ساسانی مرکز اقتصادی بسیار مهمی بوده است.

همچنین تولیدات این ایالت، از جمله پارچه‌های کتانی و ابریشمی، فرش و مروارید که اهمیت صادراتی داشت تا چین و سایر نواحی دوردست فرستاده می‌شد. این موضوع را کشف سکه‌ها و مهرهای بسیاری با نام شهرهای پارس در بنادر چین و هند تأیید می‌کند. ۶۲

در این زمینه نباید از نقش و تأثیر تحولات سیاسی در رونق و زوال بنادر و مراکز تجاری خلیج فارس غافل شد. شواهد و منابع بیانگر آن‌اند که حوادث و رویدادهای سیاسی در مقطع زمانی اواخر دورهٔ ساسانی تا ورود سلاجقه به جنوب ایران (سدهٔ پنجم هجری) در جهت تقویت و رونق بخشیدن به تجارت خلیج فارس، جنوب ایران و بین‌النهرین بوده است. ۶۳

پس از کسادی جادهٔ ابریشم و از رونق افتادن تجارت زمینی به دلیل جنگهای ایران و بیزانس و اقدام ساسانیان در بالا بردن عمدی تعرفه‌های گمرکی و ایجاد تورم در قیمت ابریشم، اسپراتور ژوستینیان در پی یافتن راههای جدید بازرگانی به سمت دریای سرخ و اقیانوس هند افتاد تا از راه

۵۹. طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲، ص ۲۰۰۷.

۶۰. همان‌جا.

۶۱. مقدسی، همان، ص ۶۵۹.

۶۲. در این زمینه، نک.

Touraj Daryaee, "The Persian Gulf Trade in Late Antiquity", *Journal of World History* 14 (2003): 1-16.

۶۳. حسن یرهن، «نقش و اهمیت سه بندر مهریوان، سینیز و جتآبه در ساحل خلیج فارس»، پژوهشنامهٔ خلیج فارس،

ش ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱-۱۲۲.

دریا با سرزمینهای شرقی رابطه برقرار کند. به همین دلیل و با رونق تجارت دریایی، ایالت پارس و بنادر و مراکز تجاری آن به مرکزی مهم در تجارت با سرزمینهای دور و نزدیک تبدیل شد.

اما کم‌رونق بنادر تجاری خلیج فارس همچون سینین، جتّابه و مهروبان و شهرهایی که در پس آنها قرار داشتند (مثل توزگ) و رونق تجاری‌شان وابسته به رونق این بنادر و تجارت خلیج فارس بود، به عللی کاهش یافت. از جمله این علل می‌توان به تغییر مسیر تجارت دریایی از خلیج فارس به دریای سرخ، ورود نیروهای متعدد سیاسی (مانند سلاجقه، سلغریان فارس، اتابکان لر، شبانکاره‌ها و اسماعیلیان) به جنوب ایران و بین‌النهرین و همچنین تغییر مرکزیت تجاری - اقتصادی خلیج فارس از سیراف به کیش، یعنی از غرب به شرق منطقه اشاره کرد.<sup>۶۴</sup>

با توجه به این شرایط بود که مرکزی تجاری همچون توج رو به افول نهاد و در آغاز سده ششم هجری ویران گردید.<sup>۶۵</sup> به طوری که در زمان حمدالله مستوفی دیگر اثری از شهر با خاک یکسان شده نبود،<sup>۶۶</sup> هرچند که نام آن همچنان در منابع باقی ماند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۶۴. همان، ص ۱۲۵-۱۲۳.

۶۵. اقتداری، همان، ص ۹۶.

۶۶. لسترنج، همان، ص ۲۸۰.